

# ملل سازمان تأسیسی

پروفسور سیدحسن امین

(۱۲۶۸-۱۳۳۳) استاد دانشکده‌ی حقوق، فضل‌الله نبیل عضو وزارت خارجه، دکتر لطفعلی صورتگر استاد زبان انگلیسی، دکتر علی‌اکبر دفتری نایب اول سفارت واشنگتن، حسین نواب سرکنسول سفارت ایران در نیویورک و محمد گودرزی کارمند وزارت خارجه.

پس از گردآمدن هیأت‌های نمایندگی کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس، برای بررسی قسمت‌های مختلف طرح دیمبارتون آکس، چهار کمیسیون تشکیل شد که در هر یک از کمیسیون‌ها نمایندگان تمام دولت‌های شرکت‌کننده مشارکت داشتند. تقسیم کار در کمیسیون‌های چهارگانه به این صورت بود: کمیسیون اول: بررسی مقررات کلی؛ کمیسیون دوم: مقررات مربوط به مجمع عمومی؛ کمیسیون سوم: مقررات مربوط به شورای امنیت؛ کمیسیون چهارم: امور مهم حقوقی و طرح مربوط به دیوان بین‌المللی دادگستری.

معمولاً مواد پیشنهادی طرح دیمبارتون آکس در مسائل اساسی مورد تأیید قرار می‌گرفت و در مسائل ثانوی، گاهی اصلاحات پیشنهادی سایر کشورها در کمیسیون مورد توجه واقع شده و تصویب می‌گردید.

اعضای هیأت نمایندگی ایران برحسب سوابق علمی و تجربی که داشتند، در کمیسیون‌های مختلف و کمیته‌ها شرکت می‌نمودند. مرحومان مصطفی عدل و نصرالله انتظام به مناسبت سوابق خود در جامعه‌ی ملل، در کمیسیون‌های مختلف سازمان ملل مشارکت فعالی داشتند. دکتر رضازاده شفق با تسلط کامل به زبان انگلیسی و مایه‌ی علمی خود در مسائل اجتماعی، نظرات قابل توجهی ابراز می‌داشت. دکتر علی‌اکبر سیاسی با سوابق علمی و تسلط به زبان فرانسوی در کمیته‌ی هم‌آهنگی که تطبیق زبان انگلیسی و فرانسوی و متن مصوب مطرح بود، نقش مؤثری ایفا کرد. دکتر جلال عبده در کمیسیون چهارم که در اطراف اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری و مسائل مهم حقوقی رسیدگی می‌کرد، وظایف خود را نیک از عهده برآمد.

سرانجام در ژوئن ۱۹۴۵ / پنجم تیر ۱۳۲۴، منشور ملل متحد و اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری، پس از بررسی‌های لازم تصویب شد و سپس به امضای رؤسای هیأت‌های نمایندگی رسید. قطع‌نامه‌هایی نیز، از جمله قطع‌نامه‌ی پیشنهادی ایران راجع به قبول صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی مورد تصویب قرار گرفت. مصطفی عدل از طرف دولت ایران، منشور ملل متحد و اساس‌نامه‌ی دیوان را بلافاصله امضاء کرد.

□ پس از پایان جنگ جهانی دوم و صدمه‌ها و خسارت‌های مادی و معنوی این جنگ به بشریت، توجه زمامداران سیاسی و متفکران و اندیشمندان جهان، بیش از هر زمانی، به لزوم ایجاد یک سازمان نیرومند بین‌المللی به منظور تأمین صلح و امنیت بین‌المللی: معطوف گردید. نخستین گامی که در این راه برداشته شد، امضای اعلامیه‌ی ملل متحد در اول ژانویه‌ی ۱۹۴۲ در واشنگتن از سوی سران کشورهای امریکا، شوروی و انگلیس به منظور پاسداری صلح و جلوگیری از جنگ بود. کنفرانس مسکو در اکتبر ۱۹۴۳ و کنفرانس تهران در دسامبر ۱۹۴۳ و سرانجام کنفرانس سانفرانسیسکو (فروردین - تیر ۱۳۲۴) در تعقیب همین منظور تشکیل شد.

در این کنفرانس که با شرکت نمایندگان پنجاه و یک کشور برای تدوین منشور ملل متحد تشکیل شد، از دولت ایران نیز برای مشارکت در این طرح مهم دعوت به عمل آمد. دیگر کشورهای شرکت‌کننده عبارت بودند از: افغانستان، عربستان، استرالیا، بلژیک، کانادا، شیلی، چین، فیلیپین، کوبا، مصر، اکوادور، ایالات متحده‌ی امریکا، حبشه، فرانسه، عراق، لبنان، لیبیا، لوکزامبورگ، مکزیک، نیکاراگوئه، نروژ، زلاندنو، پاناما، پاراگوئه، هلند، پرو، دومینیکن، انگلستان، السالوادور، سوریه، چکسلواکی، ترکیه، اتحاد جماهیر شوروی، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی، اوروگوا، ونزوئلا، یوگسلاوی، آرژانتین، دانمارک و...

دولت ایران عاقلانه با اعزام هیأتی قابل در این کنفرانس شرکت کرد. ریاست این هیأت را نخست به نصرالله انتظام (وزیر امور خارجه)، سپس به سیدحسن تقی‌زاده (سفیر ایران در لندن) و بعد به مجید آهی (سفیر ایران در مسکو) پیشنهاد کردند؛ ولی هیچ‌کدام از آنان این سمت را نپذیرفتند. سرانجام سمت ریاست این هیأت را زنده‌یاد سیدمصطفی عدل (منصورالسلطنه)، وزیر سابق دادگستری پذیرفت. اعضای این هیأت عبارت بودند از: سیدباقر کاظمی (مهدب‌الدوله) وزیر سابق خارجه و معارف، دکتر علی‌اکبر سیاسی وزیر مشاور، الهیار صالح وزیر سابق دادگستری، دکتر قاسم غنی وزیر سابق معارف، نصرالله انتظام وزیر سابق امور خارجه، دکتر صادق رضازاده شفق نماینده‌ی مجلس شورای ملی، دکتر جلال عبده نماینده‌ی مجلس شورای ملی، سرلشکر علی ریاضی آجودان مخصوص محمدرضاشاه و رئیس دفتر نظامی دربار، محمد شایسته (مشاورالدوله) وزیرمختار ایران در واشنگتن، دکتر قاسم قاسم‌زاده

در روزهای پایانی کنفرانس، گزارش‌های کمیسیون‌های چهارگانه و کمیته‌ها بویژه کمیته‌ی هماهنگی، در جلسه‌ی عمومی کنفرانس مورد بحث واقع شد و مقررات آن در قالب دو متن (۱- منشور ملل متحد؛ ۲- اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری)، به تصویب رسید.

یک ایرانی علاقه‌مند، هم از حقوقدانان و هم از اهل علم و فرهنگ انتظار دارد که با مراجعه به یادداشت‌ها و یادمانده‌های مربوط به این مهم، مقالات و تحقیقاتی در باب مشارکت دولت ایران در تدوین منشور سازمان ملل و تأسیس ارگان‌های آن، از خود بر جای گذاشته باشند و اطلاعات سودمندی از این کنفرانس به خوانندگان هدیه کنند، اما گویا تاکنون کسی به این فکر نیفتاده است. ما برای نخستین بار با سودجویی از یادداشت‌های دکتر علی‌اکبر سیاسی، دکتر قاسم غنی، دکتر جلال عبده و دکتر رضازاده شفق، مقاله‌ی حاضر را به خوانندگان ارمغان می‌کنیم.

### مصطفی عدل

زنده‌یاد سیدمصطفی عدل، ملقب به منصورالسلطنه (۱۲۵۸-۱۳۲۹)، از سوی پدر، نوهی حاج سیدحسین تبریزی، معروف به «شاه»، و از سوی مادر، نوهی حاج میرزا احمد مجتهد تبریزی، پس از خدمات بسیار در وزارتین عدلیه و خارجه، در ۱۳۱۷ وزیرمختار ایران در ژنو و نماینده‌ی دائمی کشورمان در «جامعه‌ی ملل» شد و در مراجعت به ایران، نخست به ریاست دانشکده‌ی حقوق و سپس به وزارت فرهنگ و دادگستری رسید و لذا از همه جهت برای ریاست هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس تشکیل سازمان ملل، شایستگی داشت. اولین کسی که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را به فارسی ترجمه کرد، سیدمصطفی عدل بود. گزارش خدمات او مستلزم

نگارش مقاله‌ی مستقل است. تا آنجا که به کنفرانس سانفرانسیسکو مربوط می‌شود، دکتر جلال عبده با ذکر خیری از مرحوم مصطفی عدل در حق او می‌نویسد که: وی قطع نظر از تبحری که در مسائل حقوقی داشت، دارای سعه‌ی نظر خاصی بود و همواره مرا در کار خود تشویق می‌کرد. به‌خاطر دارم روزی در کمیسیون چهارم کنفرانس، بحثی بین بادووان (نماینده‌ی فرانسه) و نگارنده، راجع به یکی از مسائل مطروح درگرفت. مرحوم عدل که در جلسه حضور داشت، پس از پایان جلسه‌ی کمیسیون که در آن پیشنهاد ایران مورد تصویب قرار گرفته بود، مرا بسیار تشویق نمود. وی دارای سعه‌ی نظر و سخاوت معنوی مختص به خود بود. با تواضع و فروتنی وظایفش را به‌خوبی انجام می‌داد. همه نسبت به وی احترام داشتند.

### دکتر قاسم غنی

دکتر قاسم غنی در فروردین ۱۳۲۴ برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو و تشکیل سازمان ملل متحد به آمریکا رفت، «تا ضمناً قرار سفارت او در واشنگتن هم داده شود.»<sup>۲</sup> از آنجا که دکتر غنی مأموریت عضویت در هیأت نمایندگی ایران برای تشکیل و افتتاح سازمان ملل متحد را به مقصد سانفرانسیسکو به امید استقرار بعدی در واشنگتن پذیرفته بود، به‌طور جدی به این خدمت نپرداخت. به همین دلیل او که در موضوع بالنسبه کم‌اهمیتی هم چون طلاق گرفتن فوزیه از محمدرضاشاه پهلوی، فصل مشبعی قلم‌فرسایی کرده است، در موضوع بسیار مهمی مثل تأسیس سازمان ملل متحد هیچ اطلاعاتی به ما نمی‌دهد. بدتر از آن، امثال دکتر غنی با تجربه‌های سیاسی خود از روابط ایران و جهان، این نوع گردهمایی‌های بین‌المللی را نوعی تبلیغات بی‌حاصل و بازی سیاسی می‌پنداشتند که جمعی «نشستند و گفتند و برخاستند» و

امید هیچ نتیجه‌ی از آن نداشتند. دکتر غنی قطعاً پیش‌بینی نمی‌کرد که شورای امنیت همین سازمان ملل متحد به‌زودی در مقام حمایت از حقوق ایران در مقابل شوروی (برای نجات آذربایجان) در ۱۳۲۵ و بعد در مقابل انگلیس (برای ملی کردن صنعت نفت) در ۱۳۳۱ چه نقش شگرفی ایفا خواهد کرد.

دکتر غنی از کنفرانس سانفرانسیسکو بسیار اندک می‌گوید و هیچ علاقه‌ی به مشارکت در این بحث بزرگ همه‌ی ادوار که مسأله‌ی جلوگیری از جنگ و خشونت و تشنج‌ها و بحران‌های بین‌المللی باید از طریق رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اکثریت مردم جهان حل شود، از او بروز

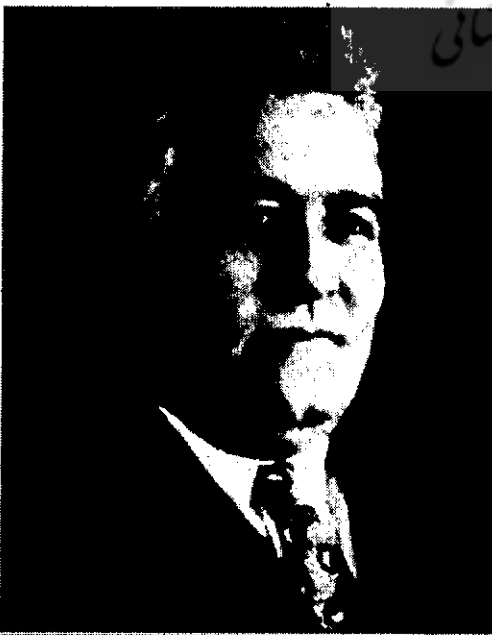


هیأت نمایندگان ایران در جلسه‌ی تشکیل سازمان ملل متحد، سانفرانسیسکو، سال ۱۹۴۵ از راست: اللهیار صالح، دکتر غنی، سرلشکر علی‌ریاضی، دکتر علی‌اکبر سیاسی، مصطفی عدل (منصورالسلطنه)، دکتر رضازاده شفق، سرهنگ معارفی

«شما دل‌تان برای حقوق بشر می‌سوخت؟ شما از فقدان آزادی‌های سیاسی و دموکراسی در ایران رنج می‌بردید؟ بفرمایید! این [گروگان‌گیری دیپلمات‌های امریکایی به‌دست «دانشجویان خط امام»] هم حقوق بشری که می‌خواستید! این هم آزادی و دموکراسی که از فقدان آن در دوران سلطنت من ناراحت بودید.»<sup>۶</sup>

### دکتر علی‌اکبر سیاسی

باری اگر دکتر غنی مشارکت در تدوین و تصویب منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه‌ی حقوق بشر را به مسخره می‌گیرد، در عوض رییس و اکثر اعضای هیأت ایرانی بویژه دکتر علی‌اکبر سیاسی که تأسیس کمیسیون تریستی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) مدیون پیشنهاد اوست، نقش سازنده‌ی در این راه ایفا کردند. دکتر سیاسی در خاطرات خود در این باب می‌نویسد: «بعد از جلسه‌ی تشریفاتی و نطق‌هایی که از طرف بعضی از رؤسای هیأت‌های نمایندگی ایراد شد، برنامه‌ی کار کنفرانس تعیین و برای بررسی موضوع‌های مختلف کمیته‌هایی در نظر گرفته شدند و مقرر گردید هر کمیته رییس و مخبر خود را خود برگزیند. من در یکی از این کمیته‌ها پیشنهاد کردم از مجمع عمومی بخواهیم کمیسیونی را تشکیل دهد که وظیفه‌اش ایجاد حسن تفاهم بین ملت‌ها باشد. نماینده‌ی چین و دکتر ولز، رییس دانشگاه ایندیانا و مشاور هیأت نمایندگی امریکا که در این کمیته شرکت داشتند، پیشنهاد مرا تأیید کردند و کمیته به اتفاق آراء، آن را تصویب نمود. نتیجه‌ی کار و مصوبات کمیته‌ها به تدریج در مجمع عمومی توسط مخبرین خوانده می‌شد و پس از بحث و گفت‌وگو و احیاناً اصلاح و تغییر به تصویب می‌رسید. من نظریاتی را که در کمیته‌ها



دکتر قاسم غنی

نمی‌کند. در کنفرانس سانفرانسیسکو مکرر گفته می‌شد که تا مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم حل نشود، تأمین صلح پایدار در جهان عملی نیست و به‌دنبال همین فکر بود که بنیانگذاران سازمان ملل متحد تصمیم گرفتند که سازمان‌های بین‌المللی غیرسیاسی (مانند یونسکو، بهداشت جهانی، سازمان خواروبار و کشاورزی و FAO) را نیز برای پیکار با عوامل اصلی تشنج‌های بین‌المللی بنیان نهند. اما دکتر غنی با همه‌ی صلاحیتی که هم از نظر فرهنگی و هم از نظر بهداشت و هم از نظر سیاست برای اظهارنظر در این مسائل داشت، سخنی در یادداشت‌هایش در این مسائل بسیار مهم ندارد و آنچه ادیبان و عالمان ایجاز مخل می‌نامند، همین است.

این بی‌اعتنایی به این برنامه‌ی مهم، منحصر به دکتر غنی نبود، زیرا به‌رغم اهمیت تاریخی فوق‌العاده‌ی این مأموریت بی‌مانند، چندین تن از رجال وقت از جمله انوشیروان سپهبدی (شوهرخاله‌ی امیرعباس هویدا)، عضویت در این هیأت را دون شأن خود دانستند. جمعی هم مانند سیدباقر کاظمی که عضویت این هیأت را پذیرفتند، اعزام این تعداد افراد را تشریفاتی اضافی می‌شمردند و معتقد بودند که حضور یک نفر به‌عنوان نماینده‌ی ایران برای امضای منشور سازمان ملل متحد کفایت می‌کند. از غرایب است که دکتر غنی طرفداران حقوق بشر را «تارتوف»<sup>۷</sup> Tartuffe های قرن بیستم دانسته است که مثل «روحانیون مزور» تارتوف‌صفت، این فضایل اخلاقی را دست‌مایه‌ی شیادی قرار می‌دهند.<sup>۸</sup> هم‌چنان که باز در ۱۳۲۹ همین عقیده‌ی سابق خود در ۱۳۳۴ را طی نامه‌یی به محمدعلی جمال‌زاده تکرار کرده و گفته است:

«اروپا از قرن نوزدهم به بعد مثل سایر امتهایی که به بازار عرضه می‌دارد... خرابکاری‌ها را به نام‌های دلپذیر حقوق بشر، مساوات، مواسات، برابری، حریت فکر، نوع‌دوستی، احترام به شخصیت و هزار اصطلاح دیگر به بازار دنیا عرضه داشته است. مشتری هم زیاد دارد و آن قدر لر فراوان است که هیچ‌وقت بازار نخواهد گندید. بر فرض بازار کساد شود، رنگ را عوض خواهند کرد. فی‌المثل جامعه‌ی ملل ژنوی، میثاق سانفرانسیسکو و سازمان ملل متحده‌ی نیویورکی می‌شود. این هم نامسد، چیز دیگر.»<sup>۹</sup>

چنین اظهارنظری به‌راستی از سوی اولین نماینده‌ی ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای نسل ما وحشتناک می‌نماید. دکتر غنی در این باب همان سخنی را می‌گوید که در بیست و شش ساله‌ی اخیر مقامات جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب در مقابل محکومیت ایران به نقض حقوق بشر در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته و می‌گویند. عجب‌تر آن که این طرز فکر - بی‌کم و کاست - همان رویکرد محمدرضاشاه پهلوی به حقوق بشر است، به‌طوری که شاه در آخرین مصاحبه‌ی خویش در حالی که دو ماه پیش‌تر از عمرش باقی نبود، خانم کاترین گراهام Katharine Graham (مدیر مؤسسه‌ی بزرگ مطبوعاتی واشنگتن پست) را به‌عنوان نماینده‌ی دموکرات‌ها مخاطب قرار داد و به او گفت:



اظهار می‌داشتیم به اطلاع آقای عدل، رییس هیأت نمایندگی می‌رساندم. روزی به او گفتم: «مقتضی‌ست جناب‌عالی در یکی از جلسات عمومی نطقی ایراد کنید.» گفت: «البته بد نیست که ما هم اظهار وجودی کرده باشیم.» همان روز چند ساعت بعد به سراغ من آمد و گفت: «ممکن است خواهش کنم این وظیفه را به نمایندگی از طرف هیأت، شما انجام دهید؟» گفتم: «اطاعت می‌کنم.»

فردای آن روز در جلسه عمومی، از رییس جلسه اجازه می‌خواستیم و نوبتیم که رسید، پشت میز سخنرانی رفتیم و درباره‌ی چند موضوع اساسی و به‌طور کلی درباره‌ی سازمانی که در شرف تأسیس بود، نظر هیأت نمایندگی ایران را بیان داشتیم و به‌خصوص درباره‌ی لزوم تأسیس شورا یا کمیسیونی که وظیفه‌اش از راه فرهنگ ایجاد حسن تفاهم میان ملل مختلف جهان باشد - یعنی درباره‌ی تصویب پیشنهادی که در یکی از کمیته‌ها کرده بودم - به تفصیل سخن گفتم و تأکید کردم.

پس از این که گزارش همه‌ی کمیته‌ها به تصویب مجمع عمومی رسید، لازم بود کمیته‌یی تشکیل شود تا مصوبات مجمع عمومی را مرتب و منظم انشاء کند و به‌صورت اساس‌نامه‌ی سازمان ملل متحد درآورد و برای تصویب به جلسه‌ی عمومی عرضه بدارد. برای انتخاب بیست عضو این کمیته، اعضای کنفرانس به تبادل نظر پرداختند و این افتخار برای من و هیأت نمایندگی ایران حاصل شد که به عضویت آن کمیته‌ی بسیار مهم که نامش «کمیته‌ی انشاء Drafting Committee» بود، انتخاب شدم. این کمیته در جلسات متعدد خود که هر کدام ساعت‌ها به طول می‌انجامید، وظیفه‌ی خود را انجام داد. من در کمیته ساکت نبودم و از اظهارنظر خودداری نمی‌کردم و بویژه مراقب بودم کمیسیون ایجاد حسن تفاهم - که پیشنهاد کرده بودم - در طرح اساس‌نامه از قلم نیفتد.

این اساس‌نامه در مجمع عمومی کنفرانس تقریباً بدون اصلاح یا تغییر عیناً به تصویب رسید و عموم اعضای کنفرانس آن را امضا کردند. من بسیار خوش‌وقت بودم، نه تنها برای این که پای این اساس‌نامه را که از آن پس «منشور ملل متحد» خوانده شد، امضا کرده بودم، بلکه خیلی بیش‌تر برای آن که بدون خفص جناح در پایه‌گذاری کمیسیون تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو UNESCO نقشی اساسی و مؤثر داشته بودم.<sup>۷</sup>

البته دریغ است که دکتر سیاسی هم اطلاعاتی از دیگر مباحث مهم مربوط به منشور سازمان ملل متحد و رویکردهای کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس سانفرانسیسکو (مخصوصاً کشورهای همسایه‌ی ایران مانند هند، عراق، ترکیه، عربستان و مصر که آن‌ها هم در این کنفرانس شرکت کرده بودند)، نمی‌دهد. در حالی که می‌دانیم بعضی کشورهای مسلمان مانند عربستان در همان زمان نسبت به «حقوق بشر جهانی» موضعی منفی گرفتند و به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر رأی متنع دادند. ایران و مصر به این اعلامیه رأی موافق دادند، لیکن اعضای هیأت ایرانی به این موضوع مهم اعتنایی چندان مبذول نداشتند.

## دکتر جلال عبده

اطلاعاتی که دکتر جلال عبده در خاطرات خود با عنوان پنجاه سال در صحنه درباره‌ی تدوین منشور سازمان ملل و اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری از خود بر جای گذاشته است، به مراتب مبسوط‌تر از نوشته‌های دکتر غنی و دکتر سیاسی‌ست. وی می‌نویسد که با شناختی که از «جامعه‌ی ملل» The League of Nations داشته است، نظرات هیأت نمایندگی ایران را به صورت رساله‌یی تألیف کرده و به دبیرخانه‌ی کنفرانس ارائه کرده است.

دکتر جلال عبده در کمیسیون چهارم که مربوط به امور حقوقی و طرح تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری بود، مشارکت فعال داشت و قطع‌نامه‌ی پیشنهادی راجع به قبول صلاحیت اجباری آن دیوان را وی به این کمیسیون پیشنهاد کرد.

پس از پایان کنفرانس و تصویب منشور سازمان ملل متحد (و اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری)، چند قطع‌نامه هم مورد تصویب قرار گرفت. یکی از این قطع‌نامه‌ها، متضمن توصیه به اعضای ملل متحد بود که کوشا باشند صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی را به‌صورت اعلامیه‌ی یک‌جانبه‌یی مورد قبول قرار دهند، دکتر جلال عبده در این مورد می‌نویسد:

«از آن جایی که پیشنهادکننده قطع‌نامه‌ی نامبرده نگارنده بود، با تحصیل اجازه از رییس جلسه عمومی کنفرانس (وزیر امور خارجه‌ی آمریکا)، پشت میز خطابه قرار گرفته و در اطراف قطع‌نامه‌ی پیشنهادی خود که به تصویب کمیسیون رسیده بود، توضیحاتی دادم... پس از تصویب منشور ملل متحد و اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی، هر دو مدرک به امضای رؤسای نمایندگی‌ها رسید که پس از تصویب آن توسط مقامات صلاحیتدار از جمله مجالس مقننه و ارسال آن به دبیرخانه‌ی موقت، به موقع اجرا گذاشته شود. کمیسیونی به‌عنوان کمیسیون مقدماتی تشکیل شد که مقرراتی برای اجرای منشور تدوین کند و به نخستین مجمع عمومی که قرار بود در لندن در سال ۱۹۴۶ تشکیل شود، تسلیم نماید. نصرالله انتظام با سوابقی که در جامعه‌ی ملل داشت، به عضویت کمیسیون مقدماتی برگزیده شد و بعداً رهسپار لندن گردید»<sup>۸</sup>.

## دکتر رضازاده شفق

از جهت اجتماعی و مطبوعاتی، فعال‌ترین عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو، دکتر صادق رضازاده شفق (۱۲۷۱-۱۳۵۰) بود که او هم مانند دکتر غنی در اواخر دهه‌ی ۱۳۲۰ (و بعد در اوایل دهه‌ی ۳۰) چند سالی در آمریکا ماند. دکتر غنی راجع به سخنگوشدن دکتر رضازاده شفق می‌گوید که: او مثل یک معلم خام، طوطی‌وار در باب امیدهای آینده‌یی که بشریت به سازمان ملل بسته است، سخن می‌گوید و او را تعبیراتی ناروا توصیف می‌کند،<sup>۹</sup> در حالی که دکتر رضازاده شفق تنها کسی از طبقه‌ی اهل علم بود که پس از مرگ دکتر غنی در مجلس یادبودی که برای او در نیویورک در اواخر فروردین ۱۳۳۱ تشکیل



دکتر علی اکبر سیاسی

این دو نسبت به هم بی تفاوت بوده‌اند. زیرا محمد شایسته تعریف و توصیفی از دکتر غنی نمی‌کرد و دکتر غنی هم وقتی چندان به او نگذاشته است. اما دکتر علی اکبر سیاسی، عضو دیگر این هیأت که در مدرسه‌ی علوم سیاسی با میرزا محمدخان شایسته هم‌کلاسی بود، از همکاری‌های او در این سفر به نیکی یاد می‌کند. ■

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- غنی، قاسم، یادداشت‌ها، ویراسته‌ی سیروس غنی، تهران، زوار، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۴.
- ۲- غنی، قاسم، یادداشت‌ها، چاپ تهران، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۳- اشاره به قهرمان روحانی‌نمای یکی از بهترین نمایش‌نامه‌های کم‌دی مولیر Moliere که حمله‌های تندى به ریاکاری و طنزهای مضحکی از حفظ ظواهر در جامعه‌ی کاتولیک فرانسه دارد. این نمایش‌نامه را احمد محمودی (کمال‌الوزاره) با انشای جدید با محیط ایران تطبیق داده و نمایش‌نامه‌ی خود را با عنوان «تارنوف شرقی Taruffe Oriental: نمایش علمی، ادبی و اخلاقی» در ۱۳۳۶ ه.ق. برابر اوت ۱۹۱۸ میلادی در تهران در مطبوعه‌ی فاروس چاپ کرده است. نقش تارنوف در این نمایش‌نامه به عهده‌ی «حاجی ریایی‌خان، رئیس مجمع خیرات و میرات و صدر انجمن فتوت» گذاشته شده است.
- ۴- غنی، قاسم، یادداشت‌ها، چاپ لندن، ج ۴، صص ۶۴ - ۶۵.
- ۵- غنی، قاسم، نامه‌ها، ویراسته‌ی سیروس غنی و سیدحسن امین، نامه‌ی ۲۳ مرداد ۱۳۲۹ به محمدعلی جمال‌زاده.
6. International Herald Tribune, 28 May 1980.
- ۷- سیاسی، علی اکبر، گزارش یک زندگی، چاپ خارج از کشور، ج ۱.
- ۸- عبده، جلال، چهل سال در صحنه، ویراسته‌ی مجید تفرشی، تهران، رسا، ۱۳۶۸، صص ۲۱۵ - ۲۲۵.
- ۹- امین، سیدحسن، کارنامه‌ی غنی: تحولات عصر پهلوی، تهران، دایره‌المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۳، صص ۶۱ - ۶۴.
- ۱۰- عبده، همان‌جا، ص ۲۲۴.
- ۱۱- هال، کوردل، خاطرات کوردل هال، وزیر خارجه‌ی امریکا، چاپ ۱۹۴۸ م، ۱۳۲۷ ش، ج ۲، ص ۱۵۰۱. متن انگلیسی:
- Hull, Cordell, Memoirs, London, Hodder and Stoughton, 1948, Vol. 2, p. 1501.
- ۱۲- غنی، قاسم، یادداشت‌ها، چاپ لندن، ج ۲، صص ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۱۴۲، ۲۵۴ و ج ۱۱، ص ۵۴۳.

شد، سخنرانی کرد و بعد به خواهش ایرج افشار همان سخنرانی را به کتابت درآورد و در مهرماه ۱۳۳۱ در مجله‌ی مهر که به مدیریت مجید موقر و سردبیری ایرج افشار منتشر می‌شد، به چاپ رسانید.

به‌قول دکتر عبده، از بادی امر معلوم بود که روزنامه‌نگاران ایرانی، برای آشنایی با طرز تفکر و اندیشه‌های هیأت‌های نمایندگی، با اعضای آن تماس می‌گیرند، بنابراین لازم بود یکی از اعضای هیأت نمایندگی که به زبان انگلیسی کاملاً وارد باشد، برگزیده شود تا روزنامه‌نگاران با وی تماس داشته باشند. از این رو، دکتر شفق به‌عنوان سخنگوی هیأت نمایندگی ایران برگزیده شد. مصاحبه‌ی که با دکتر شفق به‌عمل می‌آمد، قرار بر این بود که مطلب تهیه‌آوری گفته نشود و به ذکر کلیات بپردازد. به‌قول یکی از دیپلمات‌ها (تصور می‌کنم تالیران، وزیر امور خارجه‌ی فرانسه در عهد ناپلئون): دیپلماسی برای این است که انسان بتواند آن‌چه مصلحت نیست، نگوید.

دکتر شفق در سالنامه‌ی دنیا می‌نویسد: پاره‌ای از روزنامه‌نگاران از جنس لطیف و بسیار زیبا و دلربا بودند و می‌توانستند تمام اسرار دل آدمی را با یک نگاه با سؤالات خود در اختیار بگیرند. وی را پرسش‌باران کردند، تا می‌توانست در دادن جواب طفره رفت و می‌نویسد: فقط از راه استیصال به چند سؤال جواب دادم. یکی از این سؤالات راجع به اتحادیه‌ی عرب و اتحادیه‌ی اسلام بود، می‌خواستند سیاست ایران را در موارد مذکور بدانند. وی می‌گوید: در پاسخ گفتم اگر اتحاد اسلام به‌منظور اقامه‌ی مطالب اساسی و توسعه‌ی علم و دانش و تقوی و همکاری و معارفه‌ی واقعی بین کل مسلمین باشد، این فریضه‌ی دینی و کمال مطلوب است، ولی اگر به معنای مخالفت با بقیه‌ی ملل عالم باشد، چنین وحدتی نه عملی تواند بود نه مفید. درباره‌ی اتحادیه‌ی عرب هم وی می‌گوید: ما عرب نیستیم، ولی با اعراب برادران دینی هستیم. اگر اتحادیه‌ی عرب مبتنی بر ملی‌گرایی افراطی باشد، بدیهی‌ست ما مخالف آن خواهیم بود و اضافه می‌کند: این بیان در کشورهای عربی عکس‌العمل نامساعدی ایجاد کرد.<sup>۱۱</sup>

### محمد شایسته

در آن وقت ایران هنوز در امریکا سفیر نداشت، بلکه نماینده‌ی سیاسی و به‌اصطلاح وزیر مختار داشت و مرحوم میرزا محمدخان شایسته (مشاورالدوله) وزیرمختار ایران در امریکا بود، چنان‌که کوردل هال، وزیر خارجه‌ی امریکا در زمان روزولت، در خاطرات و شرح حال خود به‌نام آن مرحوم اشاره می‌کند.<sup>۱۱</sup> من مرحوم مشاورالدوله شایسته را در سال‌های آخر عمرش در تهران بسیار می‌دیدم. برادر او ارباب ابراهیم شایسته، ساکن تهرانپارس و از دوستان پدرم بود و پسر خواهرش مرحوم حسین شایسته (فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی علوم سیاسی)، از وکلای مبرز و قدیمی دادگستری، بر من در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۷ سمت استادی داشت. دکتر غنی هم در یادداشت‌ها به مرحوم محمد شایسته به‌عنوان یکی از اعضای وابسته به هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو و نیز دو سه جای دیگر اشاره می‌کند،<sup>۱۲</sup> اما ظاهراً